

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
انتخابات ریاست جمهوری
را تحریم کنید!

تدارک تحمیل رئیس جمهوری ارتجاع

این روزها، در غربیوآ زیرخوردن و نجات ریاست جمهوری
بمب بر سر مردم، در طنین رگبار مسلسل‌های ارتجاع
که همچنان سینه پاک انقلابیون و میهن پرستان
را می‌تکا فودر حالی که خروش مردم علیه پنهان
ستم و جنایت او می‌گیرد، رژیم درندارک برگزاری
"انتخابات" ریاست جمهوری است.
کمیته مرکزی سازمان ما با انتشار اعلامیه‌ای همه
مردم و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه ایران را فرا
خواند تا با تحریم این خیمه شب بازی تبهکاران
با سخنی درخور به تلاشهای زبونانه آنها بدهند.
سازمانهای انقلابی و مبارزان کشور ما که آماج
شدیدترین پیگیری و سرکوب هستند با تحریم این
نمایش نیرنگداره و واقعی مردم ایران را که جز
نبرد در راه نابودی رژیم خونریز و جنگ افروز
نیست، اعلامی می‌دارند.
تحریم "انتخابات" از سوی نیروهای مردمی
با پدید آمدن هر چه گسترده تر در کارزار که حول
"انتخابات" در گرفته همراه باشد، نگاه می‌بهد
صحنه روشن می‌گردد علاوه بر حکومتیان، سلطنت
طلبان و دیگر جریانهای بورژوازی راست برای
فریت مردم و با مصالح همراه کردن آنها با شعارهای
خوبه تلاش گسترده‌ای دست زده‌اند، وظیفه اصلی
ما این است که با افشا، دست تلاشهای حکومت و
جریانهای فوق نیروهای هر چه وسیعتری را به تحریم
"انتخابات" زیر پرچم پیشاهنگ طبقه کارگر بسیج
کنیم.

تلاشهای رژیم

رژیم ارتجاع از "انتخابات" حرف می‌زند.
اما هدفش چیزی جز برگزاری یک مراسم برای قانونی
جلوه دادن رئیس جمهور منسوب دستگاه ولایت فقیه
نیست. اصول بنیاد ارتجاعی "ولایت فقیه" همه
اصول و ضوابط ناظر بر "انتخابات" و رژیم حاکم
در مجموع اجزاء آن، ناشی هرگونه اعمال آرا ده
آزادانه مردم و خواهان متابعت مطلق خلق از
صاحبان زور و توتون و ویواست. تا مزدمطلوب ولایت
فقیه برای مقام ریاست جمهوری کسی است که
با خون انقلابیون و رزمندگان میهن پرست و فوسازده
در محراب با زار و رویه قبله کلان تاجران و بسزرگ
غارتگران نماز بگذارد، بر همه حقوق کارگران
و دهقانان و دیگر زحمتکشان و همه خلقهای کشور
با بگذارد و سرانجام از دست شورای نگهبان ارتجاع
رخصت نما مواز "امام" کلان تاجرا و بزرگ مالکان
و جنگ افروزان برای "ریاست" افتاء بگیرد.
چنین اهریمنی با همه مختصات در اصول و قوانین
ناظر بر "انتخابات" ریاست جمهوری ترسیم شده
است و آنچه رژیم می‌خواهد در واقع چیزی جز آویزان
کردن شماری رای برگردان این "بنده حقیر
ولایت فقیه" نیست.

آیا از صندوق این "انتخابات" می‌توانند رئیس
جمهوری غیر از آنکه با زار و حزب جمهوری اسلامی
و شورای نگهبان ارتجاع و ولی مرتجع آن می‌خواهند
بیرون بیاید؟ از خود آنها هم بی‌رسیدنی سخنان روشن
است: نه بیرون می‌آید و نه می‌توانند بیرون بیایند.
تا آنجا که به نیروهای انقلابی و مبارزان و
نمایندگان حقیقی توده‌های مردم بر می‌گردد، رژیم
همه آنها را نامزد شکنجه و مرگ کرده است. شریف‌ترین
فرزندان خلق یا در اختفای کامل و یا در زندان
و در میهن جرت علیه این رژیم بیگانه می‌کنند.
توده‌های میلیونی نیز با نفرت این نمایش را تحریم
بقیه در صفحه ۲

مبارزه علیه تحمیل قانون کار
ارتجاعی را سازمان دهیم

در صفحه ۴

ایران، میدان رزم خلق علیه جنگ، برای صلح

خرداد ماه سال، ماه دلبره و اضطراب، ماه
مرگ و ویرانی و ماتم برای مردم ایران بسود.
تهران و تمام شهرهای غرب و مرکز و حتی شمال
کشور طعمه بمبارانهای وحشیانه و جنگا رانسه
رژیم صدام بود. دؤخیم جماران روز عید قزقبر
دیگر چهره پلید خود را با تاکید بر ضرورت ادامه بین
جنگ پلید آشکارا ترساخت. در حالی که عفریت جنگ
خواب و راحت را از همه مردم سلب کرده و بیبروجوان
وزن و کودک را در کوره‌های خود کاسترمی کند هیچ
چیز نفرت انگیزی و شرمانه تر از تلاش برای ادامه
این جنگ ارتجاعی نیست.

بسیج خلق در راه سرنگونی رژیم

انتشار بیانیه مشترک کمیته مرکزی سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت) و کمیته مرکزی
حزب توده ایران، با عنوان "پیروزی دمیبارزه
خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی" وظایف
بسیار مهم و خطیری را پیش روی ما قرار داده است.
در اس این وظایف تبلیغ و ترویج مضمون این
بیانیه در میان توده‌ها و بسیج آنها برای مبارزه هر
چه گسترده تر در راه سرنگونی رژیم است.
در بیانیه آمده است: "در حال حاضر مهم‌ترین
و عاجل‌ترین و اساسی‌ترین وظیفه‌ای که در برابر
زحمتکشان و همه میهن پرستان قرار دارد، مبارزه
برای سرنگونی این رژیم استبدادی فئودال
و سوسیالیست... بیانیه دلایل کافی در اثبات
ضرورت سرنگونی رژیم به دست می‌دهد و نشان
می‌دهد که چرا شرایط برای پیشرفت این مبارزه
مستعد می‌شود.

اعتصابات و تظاهرات توده‌ای برفد جنگ و علیه
ستگرمی سیاسی و اقتصادی رژیم دایما افزایش
می‌یابد و هر روز گرو و بیشتری از مردم، در این
مبارزات شرکت می‌جویند و همه چینی‌کنی که
قدرت سیاسی رژیم را آماج مبارزه آشکار خود قرار می‌دهند
و به رودر رویی با این رژیم تبهکار بر می‌خیزند
افزوده می‌شود. این واقعیت نشان می‌دهد که
روحیه زحمتکشان و همه مردم در جهت مبارزه فعال
علیه رژیم در حال تغییر است. اکنون ایجاد
نا رضایتی و اعتراض مردم تا بدان حد رسیده است که
در بسیاری مواقع از حوادث فرعی و جزئی جرقه‌ای
می‌سازند تا تظاهرات مبارزه علیه رژیم را به
خیابان بکشانند. مبارزات سال گذشته و سال
جاری بویژه در شهرها، نمونه‌های بسیاری از اینگونه
اعتراضات خیابانی به دست می‌دهند. در این
مدل می‌سازد که روحیه انقلابی مردم در حال
اعتلاست و همین عامل آنان را به تشدید فعالیت
بقیه در صفحه ۷

گرامی باد ۸ تیر
جاودان باد یاد فدائیان شهید

با فرارسیدن هشتم تیر، ۹ سال از شهادت
قهرمانان رفیق حمید شرف، از بنیان‌گذاران
ورهران برجسته سازمان ما و هم‌زمان قهرمان
اوفدائیان خلق رفقا، یوسف قانع خشکه بی‌جساری
محمد رفقا بی‌شری، محمد حسین حق‌نواز، علی اکبر
وزیری، طاهره خرم، لایق‌مهربانی، فاطمه حسینی
محمد مهدی فوقانی، غلامعلی خراط پور و عسکری سینی
آبرده می‌گذرد. هشتم تیرماه سال ۱۳۵۵ رژیم
جنایتکار شاه با یورش ناخواسته مردانه که از مدت‌ها
پیش تدارک شده بود، تمام رهبران و تشکیلات
از کادرها و اعضا برجسته سازمان ما را به شهادت
رساند. حمید شرف و هم‌زمان قهرمان اودریسک
بیگانه مسلحانه و رودر رو تا آخرین گلوله و آخرین
نفر در مقابل دؤخیمان شاه که آنها را محاصره کرده
بودند، جنگیدند، و با فریادهای رسای زنده بناد
کارگران و زحمتکشان، مرگ و نفرت به امپریالیست‌ها
و نوکران آنها جان خود را نثار آرمایشان کردند.
رفیق حمید شرف انقلابی فدای کار و میسارزی
بیگب بود که از اوایل دهه ۴۰ در سرگرم زحمتکشان
بقیه در صفحه ۸

اما اینها همه یک روی واقعیت است. روی دیگر
واقعیت جنبش اوج گیرنده و عظیمی است که سر
توده‌های خلق علیه جنگ برپا کرده‌اند. تشنه درسه
ماه گذشته دهها مورد تظاهرات علیه جنگ در شهرهای
ایران رخ داده است. همه جا رواج اعتراض علیه
جنگ فرا گرفته است. اعتصابات، تعطیل کلاسها،
تظاهرات و اعتراضات توده‌ای مشخصا رویه گسترش رفته
است. مردم جنگ را که رژیم خمینی انترشیسته
عمرش قرار داده، آماج تیرخشم خود ساخته‌اند.
مبارزه علیه جنگ عمده‌ترین کار سازترین
و فراگیرترین عرصه مبارزه علیه رژیم است. مبارزه
خلق علیه جنگ هر روز اوج تازه‌ای می‌گیرد. این
مبارزه با زهم و ج بیشتر خواهد یافت.

در چنین شرایطی کمیته مرکزی سازمان فدائیان
خلق ایران (اکثریت) با صدور اعلامیه‌ای مردم را به
گسترش تظاهرات و اعتصابات علیه جنگ و برای
صلح فراخوانده است. اکنون فعالین فدایی
در سراسر کشور با بخش وسیع این اعلامیه در سراسر
ایران، با رهبری تظاهرات و اعتصابات توده‌ای
با شرکت در همه روزه و اعتراض توده‌ای علیه جنگ در
پیشاپیش جنبش صلح طلبانه خلق می‌کوشند شیشه‌عر
این جنگ پلید و این رژیم پلید تر از جنگ را درهم
بشکنند.

در این شرایط حساس که خمینی و دیگر سران
جنایتکار جمهوری اسلامی برای ادامه جنگ هر روز
نا توان تر و عاجزتر می‌شوند، در این شرایط حساس
که مردم جان به لب رسیده ما هر روز بیشتر آماج
می‌گیرند که گوی جنگ و رژیم با سارا را به جنگ
آوردند، وظیفه هر عنصر آگاه و مبارز، وظیفه همه
نیروهای میهن دوست و ترقیخواه، وظیفه عاجل تمام
فدائیان خلق ایران آن است که در پیشاپیش خلق
بیا خاسته ایران، در همه جا، در همه شهرها و روستاهای
میهن مردم را به تظاهرات آشکار علیه جنگ، به
اعتصاب علیه جنگ، به اعتراض علیه جنگ فرا
خوانند.
بقیه در صفحه ۶

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
با گسترش اعتصابات و تظاهرات
علیه جنگ، صلح را برقرار سازیم

در صفحه ۳

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به خلق بیا خاسته کرد

در صفحه ۳

- در این شماره
- شصت و پنجمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران در صفحه ۵
- از روزهای تلخ تیر در صفحه ۸
- مصوبات کنکره ششم "خانه کارگر" را افشا کنیم در صفحه ۵
- زندانیان سیاسی آماج شکنجه و اعدام در صفحه ۱۲
- دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان در صفحه ۱۲
- جنگ برادرکنی در لبنان و شهادت های رژیم ایران در صفحه ۹
- کنکره بین‌المللی ضد انقلاب! در صفحه ۹
- جمهوری اسلامی، در کنار آمریکا، علیه افغانستان در صفحه ۴
- دلارهای آمریکا علیه نیکاراگوا در صفحه ۹

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

با گسترش اعتصابات و تظاهرات علیه جنگ، صلح را برقرار سازیم

مردم مبارز ایران!

حملات نظامی تازه رژیم جنایتکار رژیم خاک عراق و بمباران مردم شهرهای کشور ما توسط رژیم جنایتکار عراق، با بارده گویس خون برآوردند...

خودداری از برقراری آتش بس و آغاز مذاکرات صلح توسط رژیم خمینی، همیامون تازه ای میان مناطق مسکونی را برای رژیم ایران به ارمغان می آورد...

همان جنایتی که رژیم عراق با مردم ایران می کند، خمینی آنرا در عراق تکرار می کند...

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در همان حال که علیه رژیم جنگ افروزمی بیگانه می کند، جنایات ضد مردمی عراق را پیگیرانه افشای می کند...

پیام به خلق بیا خاسته کرد به مناسبت ششمین سالگرد تهاجم رژیم به کردستان

خلق مبارز کرد!

با فرارسیدن تیرماه، شش سال از یورش وحشیانه خونین جمهوری اسلامی به کردستان کردستان می گذرد، جمهوری اسلامی و حکام جنایتکار آن...

رژیم جنایتکار افروزمی، با ادامه جنگ خائنان برآوردن از ایران و عراقی مصائب بی شماری را به مردم میهن ما تحمیل کرده است...

سال پیش یکی از دشوارترین سالهای مبارزه و مقاومت مسلحانه و عادلانه مردم کردستان علیه رژیم ارتجاعی و ضد مردمی جمهوری اسلامی بود...

تشدید سرکوب خشن و جنایتکارانه خلق کرد و نیروهای ملی و مترقی کردستان به هیچ وجه از سرکوب و وحشیانه جنشی اعتراضی و مطالباتی کارگران،

صدام اساسا دلایل نظامی دارد. هدف صدام از این ما نوره تقویت مواضع خود در جنگ است و هیچ ربطی به احترام و ارزش که گویا برای خلق ما و جوانان مردم ما قایل است ندارد...

بیایید و بگردانید ریدد رژیم چماران بازمه به این جنگ ادا مدهد. جز حکام جنایتکار جمهوری اسلامی هیچ کس دیگری نه در ایران و نه در عراق خواهان ادا مدهد جنگ نیست...

رژیم زبون تر از آن است که در برابر اعتراض یکبارچه و متحدهما تسلیم نشود...

دهقانان و همه زحمتکشان و نیروهای ملی و دموکراتیک کشور جدا نیست. رژیم استبدادی و ارتجاعی جمهوری اسلامی نه تنها دشمن شما مردم زحمتکش و رنج دیده کردوهمه احزاب و سازمانهای ترقیخواه و دموکراتیک کردستان است...

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت)، رزمندگان راه رهایی و ملی و اجتماعی خلقهای سراسر کشور است و به همین پایه در راه ملی خلق کردا رستم ملی و متوق خودمختاری کردستان در چارچوب ایران نسی آزاد و دموکراتیک مبارزه می کند...

سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) رزمندگان راه رهایی و ملی و اجتماعی خلقهای سراسر کشور است و به همین پایه در راه ملی خلق کردا رستم ملی و متوق خودمختاری کردستان در چارچوب ایران نسی آزاد و دموکراتیک مبارزه می کند...

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در دیرلنوم مهرماه ۱۳۶۳ اعلام نمود: ... سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) لشکرکشی به کردستان و تهاجم علیه مردم، قتل عام زنان و کودکان کرد را محکوم می کند...

مجامع و محافل صلح دوست جهان از برقراری صلح حمایت می کنند. خواست ما برحق است، در این مبارزه ما حتما پیروزیم.

فداییان خلق ایران، در سراسر کشور علیه رژیم پلید خمینی و برای قطع این جنگ خائنانانه و سوزناور می کنند، فداییان خلق خواهان آنند که به نیروی اتحاد همه نیروهای صلح دوست و آزادیخواه ایران سایه شوم جنگ و خمینی از زمین پاک شده شود...

به فداییان خلق ایران بیبونیید تا صلح را به کشور بازگردانیم و دموکراسی و عدالت اجتماعی و استقلال ملی واقعی را در میهن ما برقرار سازیم...

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) ۲۵ خرداد ۱۳۶۴

پیام به خلق بیا خاسته کرد به مناسبت ششمین سالگرد تهاجم رژیم به کردستان

رژیمهای ارتجاعی ایران و عراق برای تقویت مواضعشان در جنگ، به ما نوره و تهاجمات بیشتری چه در رابطه با نیروهای خلق کرد در کشور خود چه در رابطه با نیروهای ملی و ترقیخواه خلق کرد در کشور دیگر، دست زده و می زنند...

جمهوری اسلامی با یورشهای بیرمناستانه خود قادر نیست جنبش خلق طلبانه مردم میهن ما را در هم شکند...

کمیته مرکزی سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) تیرماه ۱۳۶۴

مصوبات کنگره ششم "خانه کارگر" را افشا کنیم

چندی پیش ششمین کنگره "خانه کارگر" که نون شورا های اسلامی کا رخانات (خانه کارگر)، برای تصویب یک آیین نامه پیشنهادی جهت اجرای قانون شوراهای اسلامی کار برگزار گردید. طی پنج سال اخیر "خانه کارگر" پنج کنگره سراسری در تهران، اصفهان، مشهد و شیراز برگزار کرده است. در تهران نیز در جریان برگزاری این کنگره ها در مقامیسه با آنها - جهت نظرسنجی و ترکیب شرکت کنندگان وجه از لحاظ مضمون دستور کار - نقطه عطفی است در روند تحکیم و بستگی این کارخانگان با کمیته های سازمان های اتحادیه های کارگری. در تهران نیز در جریان برگزاری این کنگره ها در مقامیسه با آنها - جهت نظرسنجی و ترکیب شرکت کنندگان وجه از لحاظ مضمون دستور کار - نقطه عطفی است در روند تحکیم و بستگی این کارخانگان با کمیته های سازمان های اتحادیه های کارگری. در تهران نیز در جریان برگزاری این کنگره ها در مقامیسه با آنها - جهت نظرسنجی و ترکیب شرکت کنندگان وجه از لحاظ مضمون دستور کار - نقطه عطفی است در روند تحکیم و بستگی این کارخانگان با کمیته های سازمان های اتحادیه های کارگری.

طبق ماده ۱۵ کسانی که قبلا عضو سندیکا ها بودند، حق کاندید شدن برای عضویت در شورا را ندارند. و مشخص تر و قوی تر از همه، نحوه مشارکت کارگران در اداره تولید است. طبق ماده ۱۶ این آیین نامه: "جهت اطلاع و نظارت شورای اسلامی مدیریت هرواحد، نماینده ای جهت عضویت در شورا از کارگران برای انتخاب می کنند. به جای آنکه کارگران را در مدیریت شرکتها و دروازه های شرکتها بکنند، مدیریت شرکتها را به دست کارکنان می گذارند. اقدامات شورا، بدون آن می فرستند. انگار آنهمه مهندسان برای میز شورا کافی نیست که می خواهند نظرسنجی کنند، آنرا رسماً به یک ارگان سازش طبقاتی تبدیل کنند. خوش خدمتی رسای خانه کارگر به کارفرمایان و دولت، در پیش دفاع از شورا، از این بیشتر، ممکن نبود. گوش بیفرمانی مسئولان خانه کارگر و خوش خدمتی های آنان از یک طرف و نیز رژیم به ایجاد تفرقه در صفوف کارگران و مهاجرت اجزای طرف دیگر، موجب گسترش شبکه "خانه کارگر" و ایجاد جنبش جدید در تبریز، همدان، ساوه و قم شده است و همچنین مکانات لازم برای تبدیل آن به یک کانون صنفی - دولتی فراگیر و سراسری و راه انداختن شبکه "کارگر" بعنوان ارگان "خانه کارگر" برای تظلم و اعتراضات اجتماعی و ضدکارگری حاکمیت را فراهم کرده است.

شصت و پنجمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران

اول تبریز است. اما سال، بمباران است با شصت و پنجمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست ایران. حزب کمونیست ایران در شرایطی تشکیل گردیده که در آن زمان، زحمتکش شهری و روستایی زیر حاکمیت مستبد و مرتجع قاجار و در نتیجه غارت و استعمار رشد یافته بود و تنها ریزش در فقر و تنگدستی دست و پا می زدند. طی دوران حکومت بی دربار و رنگین قاجار که دشمن غدار فرهنگ و تمدن بود، ایران را غارت می کردند. به کشورهای نیمه مستعمره گردید در آن سالها سیاه جنبش های ملی و ترقیخواهانه زبانی شکل گرفت، که جنبش شورشیت، جنبش مردم آذربایجان و رهبری شیخ محمدخیا باقی، جنبش ترقیخواهانه مردم گیلان، و قیام کلنل محمدتقی خان پسیان از برجسته ترین آنها بود. در دهه های آخر حکومت قاجار رنقش انقلابیون سوسیال دمکرات ایران در مبارزات مردم ایران افزایش چشمگیری پیدا کرد. حزب کمونیست ایران از دل این مبارزه سخت و بی امان طبقاتی زحمتکش ایران علیه رژیم مستبد و مرتجع سلطنتی قاجار، علیه امپریالیسم انگلیس و روسیه تزاری، علیه نظام ارباب و رعیتی، علیه فئودالیستی جاهل و بیسوادی و بیرون آمد.

حزب کمونیست ایران که شمره تکامل حزب قاجاری "مذلت" بود، در تلاشهای آگاهانه و قهرمانانه این سوسیال دموکرات های انقلابی ایران زاده شد. انقلاب کبیر و دوران سازکتی و پروپروزیهای دولت کارگران و زحمتکش در آنجا در جریان بود. سوسیالیستی تا شریات و شخص و قاطعی در گسترش جنبش رها بی بخش خلقهای ایران بجا گذاشت. در پی شکست حکومت دست نشانده ارتش انگلیس در قفقاز، زمینه گسترش مبارزه علیه استعمارگران انگلیسی بویژه در قفقاز شمالی ایران فراهم گردید، جنبش رها بی بخش در سرتا سرتا ایران تقویت شد و انقلاب گیلان اوج گرفت. کنگره موسس حزب کمونیست ایران که منشأ اثرات انقلابی بسیاری گشت، در چنین شرایطی در شهر انزلی تشکیل گردید. کنگره برنامهمس اساسنامه حزب را به تصویب رساند. موادماسی برنامهمان عبارت بود از: اخراج کامل امپریالیستهای انگلیس از ایران، سرنگون ساختن سلطنت قاجاریه، اعلام جمهوری، ایجاد حکومت دمکراتیک، مساعده زمینهای ملکان بزرگ و قشودا لیا و تقسیم بلاغوس آن میان دهقانان، لغو امتیازات خارجی و... در برنامهمسوم کنگره اول حزب کمونیست ایران یکبار ردیگری و وظیفه شترنا سونا لیستی حزب تاکید خاص شد و گفته شد که ما با پشتیبانی زحمتکش و بیولتاریا همه جهان که برجم سرخ انقلاب سوسیالیستی را برافراشته و شعار "دمکراتیک بیولتاریا جهان متحد شوید" را اعلام داشتند. به هدف خودناشل خواهیم شد.

حزب کمونیست ایران نقش شایسته و فعالی در بسط آزادی سیاسی میان کارگران و زحمتکش و در تلاش برای اتحاد نیروهای ملی و انقلابی یفنا کرد و مبارزه رهبری را علیه استعمارگران انگلیس رژیم مستبد و مرتجع سلطنتی علیه نظام فئودالیسی سازمان داد. حزب کمونیست ایران به دلیل برنامهمس انقلابی اش که علیه غمگاستی ها و تندرویها، بیابانگر و لاترین آرمانهای مردم رنج دیده بود، و بدلیل کوششهای مداومش برای متحرک کردن همه نیروهای فدا مهربانیت و مردمی و گسترش پیگان آزادی بخش مردم ایران، آماج کینه و نفرت امپریالیسم و ارتجاع قرار داشت. این دشمنان آشتی ناپذیر همه طرفه های فدا انقلابی و ضد مردمی را به خدمت گرفتند. علیه حزب دست به شایعه پراکنی زدند، به نام اوسدهای جعلی از جمله اسناد فدیهای اشپار دادند. برای انجام مقاصدشان روحانیون مرتجع را به خدمت گرفتند و حتی به تحریک نیروهای ترقیخواه و ملی که دارای تمایلات سازکتا رانه بودند، دست زدند. بسیاری از رهبران و فعالین حزب را اسیر کردند و وحیانه تکلیف دادند و به زندانهای تاریک و طولانی مدت محکوم کردند یا به جوغاه عدام سپردند. از این کلیه اقدامات ضد مردمی، آنچه که موجب تضعیف جدی حزب کمونیست ایران گردید، قاجار در رهبری گیری ارتضاد های درون خلق و دامن زدن به تفرقه میان نیروهای ملی و انقلابی بود. از جمله این توطئه ها تحریک مبارزات کوچک خان به اقدام علیه حزب کمونیست ایران بود. در نتیجه این توطئه شوم، رهبر حزب کمونیست ایران، حسیند عموا و قلوبه همراه چند تن دیگر از رهبران حزب به شهادت رسیدند. جنبش انقلابی گیلان به شکست کشیده شد، و ضربات مهلکی بر جنبش رها بی

در سال ۵۳، هنوز در برخی از واحدها، بیویژه در صنوف سندیکا های مستقلی وجود داشت و فعالیت می کرد، پس از اعلام تشکیل حزب "ساختیگر" مسئولین حکومتی، رسماً اعلام کردند که اتحادیه های کارگری، تنها به صورت شعبات حزب می توانند وجود داشته باشند و پس از آن، همه سندیکاهای سازمان کارگران ایران "وابسته به حزب رستاخیز، بعنوان "گفندراسیون کارگری مرکب از سندیکا های موجود" معرفی و اعلام شد. البته "خانه کارگر" و "سازمان کارگران ایران" از نظر چگونگی شکل گیری و کیفیت مناسبات شان با تشکلهای کارگری، تفاوتی زیادی با هم ندارند، اما آنچه که در تمام آنها، سیاست رژیم و حزب جمهوری اسلامی قرار داده، رویای تشکیل یک "سازمان کارگران" جدید است با فرم و قالب اسلامی. آنچه که بجا اجازه این مقایسه را می دهد، علاوه بر بنیاد و اقدامات مقامات حکومتی، گسترش چشمگیر روندهای ارتجاعی و ضدکارگری در سیاست و موضع گیری های مسئولین خانه کارگر مرکزی طی دو ساله اخیر است. تصویب آیین نامه ضدکارگری و ضددموکراتیک برای اجرای قانون ارتجاعی شورا های اسلامی کار، موضع گیری بنیاد ارتجاعی در مقابل طرح عوام فوریانه و اگذار کارخانجات به کارگران، تشویق کارگران به شرکت در جنگ خانمانوزایران و عراق، توجیه سیاست ریاضت کشی و تلاش برای تحمیل آن به کارگران در بهانه وجود شرایط جنگی، تمکین به سیاستهای ضدکارگری رژیم و دنباله روی روزارت کار و حزب جمهوری اسلامی، از نمونه های بارز تشدید این روندها می باشد.

این موضع گیریها، بویژه در یک ساله اخیر، "خانه کارگر" را بیشترازیب از کارگران و شوراهای دور و دره هدف فوق الذکور نزدیک کرده است. مفاصل بر اینیکه، احساس خطر رژیم از اوج گیری جنبش توده ای کارگری و تجمع و تمرکز کارگران حول کانونهای صنفی اصیل و فراگیر در آینده و بی ابرویی انجمن های اسلامی در کارخانجات، مقامات حکومتی را به سرما به گذاری روی "خانه کارگر" واداشته است که از طریق گسترش شبکه شعبات آن در مناطق مهم کارگری کشور صورت میگیرد. البته گسترش شبکه "خانه کارگر" تنها در صورتی برای رژیم مطلوب خواهد بود که بتواند تکثیر و خود را بر آن حفظ کند. اما علیرغم تشبثات مذبوجانه رژیم و خوش خدمتی های "خانه کارگر" با بزرگترین مشخصه های ووندجاری تحولات کارگری عبارتند از: بی اعتمادی فزاینده توده کارگران نسبت به سیاستهای ارتجاعی و ضدکارگری حاکمیت، منزوی شدن کارکنان و وابسته رژیم در کارخانجات، گسترش دامم التزایدا اعتراضات و اعتراضات کارگری، تکلیف گیری هسته ها و کمیته های مخفی و حیا تدریجی شکل های صنفی مستقل بویژه تشکیل هیاتهای نمایندگان کارگران (بعنوانه شکل های موقت، اما کار ساز)، اینهاست مظاهراصلی حرکت کارگری، نسبه احکام فرمانی کنگره ششم "خانه کارگر" و منیبات حکام کارگرسنجی جمهوری اسلامی ایران. کارگران مبارز و پیشرو با بدتوده کارگسران را از خضلت فدکارگری و ارتجاعی می مویات است. کنگره آگاه سازندوآنان را علیه تلاشهای فریبکارانه و اقدامات ضددموکراتیک سران رژیم و مسئولان "خانه کارگر" بسیج کنند.

کنگره ششم کنگره های اسلامی کارخانجات ایران - خانه کارگر - در ۳۰ شهریور سال ۶۱، در پایان کار خود، قطعنامه ای صادر کرد که از نظر صراحت و قطعیت بخشیدن به مفهوم استقلال تشکلهای صنفی، یکی از نمونه های بارز بلوغ فکری و سازمانی نمایندگان شورا های کارگری و مهمترین دستاورد سراسری در فدا لیست خانه کارگر بود. در ماده ۹ این قطعنامه تصریح شده بود که: "ما شورا های اسلامی کارخانجات، توسط کارکنان انتخاب شده و توسط باقیماندن و باکنار رفتن خود را درگیری رضایت مومکن خود می دانیم. لذا پیشنهاد می کنیم برای اعلام رضایت و با عدم رضایت کارکنان، کنیه شرط کناره گیری یا ابقای شورا های می توان باشد، در سطح هر کارگاه و کارخانه، مجمع عمومی تشکیل گردیده و تکلیف هروار از انتخابات جدید مشخص نماید." این ماده با صراحت تمام، حق ایجاد و یا انحلال شورا را به مجمع عمومی واگذار می کرده مدییر و کارفرما و وزارت کار، بیاسخی بود جانب شوری کارگری و به تبع آن، خانه کارگر به لایحه مسامحه مویبه هم ماه ۶۳ نیز، در رابطه با حقوق دموکراتیک تشکلهای صنفی، برهما با چیزی تا کنید در دهه لایحه شورا های توکلی در سال ۶۱ داشت. یعنی محروم کردن کارگران از حق ایجاد تشکلهای صنفی مستقل، کنگره ششم خانه کارگرنیز، نه برای افشای این قانون، بلکه برای کمک به اجرای آن، برگزار گردید. بهمین خاطر نیز تصویب یک آیین نامه اجرایی برای این قانون را در دستور روز قرار داد.

در ماده اول آیین نامه کندهای کنگره ششم "خانه کارگر" آمده است: "وزارت کار موظف است، در واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی با رعایت مفاد قانون (قانون شورا های اسلامی کار مویبه بهمن ۶۲) و این آیین نامه، به انتخاب افسای شورا اسلامی کار اقدام نماید." وزارت کار موظف است اقدام به انتخاب اعضای شورا کند. یعنی اینکه کارگرملاحیت انتخاب نماینده خود را ندارد. آنچه را که توکل می گفت و مدت ها است که بر زبان سرحی زاده نیز جاری است، این بار "خانه کارگر" با آتوتاب و بددتکار می کند. مسئولین خانه کارگر، این آیین نامه رانه زدید یک کارخان صنفی کارگری، بلکه در مقام یکارگان وابسته به دولت و از نگاه مصالح دولتی که از شکل کارگران هراس دارد، تنظیم کرده اند. شاید مثال برای اثبات صحت این مدعا، بسیار است. آیین نامه خانه کارگر به هیات موسس شورا و مجمع عمومی کارگران برای خالی نبودن عریضه اشاره کرده است، اما این هردو ارگان، شیران بی یال و دم اشکم اند. هیات موسس شورا طبق ماده ۴، وظیفه اش "ارایه مدارک هویت کاندیدها به هیات تشخیص" است و نیز همگاری با آن هیات برای جلوگیری از نفوذ کاندیدهای "نامطلوب" اجلاس مجمع عمومی نیز طبق ماده ۷ تحت ریاست نماینده وزارت کار باید تشکیل شود و گرنه غیرقانونی است. کاندیدها با بدموردتای پیدا نمین ای اسلامی باشند (ماده ۱۲)، همان انجمنهایی که ارگانهای خیرجینی، جاسوسی و پیرونده سازی علیه کارگرنند.

ایران، میدان رزم خلق علیه جنگ، برای صلح

"کارگران علیه جنگ"

کارگران که از آسیای استهای جنگ طلبانه رژیم حاکم به تنگ آمده اند، بعنوان اعتراض از هژمون کمک به جبهه ها امتناع می کنند. اخیرا کارگران کارخانه های تراکتوری و ماشین سازی تبریز مخالفت خود را با کمیک روز حقوقتان برای کمیک به جبهه ها اعلام داشتند. کارگران موفق شدند حقوق کرده را از پس گرفته و از وزیران به حساب جبهه ها جلوگیری کنند.

در کارخانه موتوژن تبریز نیز کارگران جمع آوری اجباری کمک برای جبهه ها اعتراض نمودند.

اعتراض زنان تبریز به جنگ

تبریز - پس از بمباران وحشیانه محله تکلیفی تبریز زنان محله با تجمع در محل بمباران شروع به دادن فحش و ناسزا به مسببین جنگ و خمینی کردند. آنان شاعری دادند: "نه گریلا بستبروخ - نه بیله بلا بستبروخ (نه گریلا می خواهم - نه ای بیلامی خواهم)، ما مورین سرکوبگر رژیم با وجود کنترل محل بمباران نتوانستند مانع اعتراض زنان شوند. زنان مبارز می گفتند: لاکه مردان و جوانان معترض را دستگیر و زندانی می کنند ما وظیفه داریم نظا هرات و اعتراض بکنیم، تا بلکه به این جنگ خانمانسوز پایان داده شود.

وحشت رژیم از اعتراض مردم به جنگ

نظا هرات و اعتراضات شدید مردم و خانسوادها شهدای بمبارانهای اخیر بر علیه آدامه جنگ و بمبارانهای مسئولین حکومتی را مجبور به عقب نشینی نمود. بدین مناسبت اخیرا زوی ارگانهای سرکوبگر رژیم بخشناهای صادر شده و در آن به مقامات مسئولین انتظامی تاکید گردیده که مدت روز بعد از بمباران نباید خانواده شهدای بمبارانها را باخاطرات و مخالفت و فحاشی به مسئولان دستگیر نمایند!

مردم همدان و سنجع علیه جنگ

بمبارانهای اخیر باعث تشدید اعتراضات مردم همدان گردید. مردم محلات گوناگون این شهر گروه گروه جمع شده شاعری دادند: "ای صدام دیوانه - جماران در شیرانه در سنجع نیز مردم معترض به جنگ در گروه هایی علیه جنگ و رژیم شعیار می دادند. مسئولین خائن جمهوری اسلامی نیز بعنوان تلافی آب آتش میدنی مناطقی از شهر را قطع نمودند.

اعتراض جوانان جوادیه به جنگ

پس از بمبارانهای اخیر نقاط مختلف شهر تهران عده ای از جوانان و مردم محله جوادیه در جنوب شهر تهران از محلات راه افتاده و علیه رژیم و جنگ شعار می دادند. آنها می گفتند: "ای صدام دیوانه - جماران توی شیرانه" این شعار طرز آلوده آنها را استقبال مردم مواجه گردید.

اعتراض مردم تبریز علیه جنگ

پس از بمبارانهای وحشیانه رژیم صدام، مردم مبارز محلات گوناگون شهر تبریز دست به نظا هرات موضعی زده و علیه جنگ و رژیم اعتراض نمودند. مردم خشمگین با دادن شعارهایی، جنگ طلبی سران خائن جمهوری اسلامی و جنایات رژیم صدام را محکوم کردند. سپاه و کمیته تبریز در چندین نقطه با مردم درگیر شدند و تعدادی را مجبور کردند.

تسلیمات رژیم دروغ و ونیرنگ

رژیم جنگ طلب و ضد مردمی حاکم جهت تبلیغ آدامه جنگ و پیشبرد سیاستهای خائسانه خود به حمله ها و ونیرنگ های گوناگونی متوسل می شود. از جمله پس از بمباران خیابان ظفر در تهران ما موران رژیم با چندا تویوس برآزاد فرانسوا زمان یافته از قبل، به آنجا آمده و شروع به دادن شعارهایی به نفع آدامه جنگ کردند و در این

هنگام گروه دیگری از صحنه های ساختگی فیلم برداری کرده تا آنها را با آب و تاب در تلویزیون نمایش دهند. رژیم این سیاستها را در ادراغ بلوار دیکا برپه است. نمونهای دیگر از این تبلیغات دروغ و عوام فریبانه در محله دولت آباد درخ داد. ما موران حکومتی تعدادی از اهالی محل بمباران شده را جهت معا حبه تلویزیونی آماده نموده و آنان را مجبور کردند جملات دلخواه رژیم را حفظ کنند. وبهمسان صورت نقل نما یند. این شگرد عوام فریبانه رژیم با افشگری یکی از اهالی محل نقش بر آب شد.

آدامه جنگ و شیوع بیماریهای خطرناک

با زگشت سربازان و ویا سدا ران از جبهه ها بسدون گذراندن دوره قرنطینه باعث شیوع بیماری سل در بین کودکان گردیده است. بهنچین خاطر از طرف وزارت بهداشت توصیه شده است که کلیه کودکان زیر ۶ سال واکسینه شوند. اما واکسن نایاب و کم پیدا است. در جلوبیمارستانها صف های طویل جهت تزریق واکسن بوجود آمده و نزدیکترین زمان ونوبت برای تزریق واکسن یک ماه می باشد.

فدائیان خلق ایثارگران که کم و کیف فاجاع جنگ و نبرد مردم علیه جنگ و رژیم را به اطلاع مردم می رسانند و دعوت سازمان خود را برای بسیج همگانی و توده ای علیه جنگ و رژیم اعلام می دارند. در زیر نمونه هایی از میان گزارشهای فعالین سازمان در باره فاجاع بمبارانهای جدید و افکندش و اعتراض مردم علیه جنگ و رژیم درج می گردد.

آتشبار زهم صدای لرزش شدیدی تهران را تکان داد. همه فهمیدند که با زمخلی ویران شده است. با زده ای از هموطنان از زیر پر و جان و کودک خردسال قربانی جنگ طلبی حاکم جمهوری اسلامی گشته اند. از صدای انفجار چنین بنظرمی رسید که چهار بمب بمسور مردم بی دفاع تهران ریخته اند. تصمیم گرفته هر طوره که شده خود راه محل حادثه برسانم. به شنگ نگاه کردم، تاریک و ظلمانی مثل قلب جنگ طلبان. با مشکلات زیاد سوار یک ماشین عبوری شدم و به طرف جنوب شهر رفتم. راننده که کارمند هلال اخبری بود گفت: به وسیله ای سیم اطلاع داده اند که دولت آباد یک محله دیگر از زده اند، پس از مدتی سکوت به محل حادثه نزدیک شدم. در مدخل شهر که دولت آباد مردم جمع شده بودند و ماشینهای زیادی ایستاده بود. مردم منطقه گروه گروه به طرف محل حادثه روان بودند. همه عصبانی و ناراحت بنظرمی رسیدند. ما موران رژیم در نزدیکی محل حادثه از ترس حرکات اعتراضی مردم خشمگین، تمام راههای ورودی به شهر را بسته بودند. جمعیت کم زیادی شهدای آزیم سر آمبولانسها یک لحظه قطع نمی شد، پیاده خودم راه محل حادثه رساندم. تلی آژان و آجر و سیمان و لوازم خانگی به چشم می خورد. بعد از آنکه زمانی متوجه شدم که نیمی از یک ساختمان طبقه جمعا ۲۰ واحد با رتمان داشت بکلی ویران شده است.

خشم و تاسوس را سر وجود هر بیننده ای را فراموش می گرفت. تعدادی از هموطنان بی گناه ما، زنان، کودکان، سالخوردهگان و جوانان، که شب خستنا و تلاش و کار روزانه به خانه پناه برده بودند، تا لحظاتی دور از دغدغه هزاران مشکل آرام گیرند، یک باره و در یک لحظه نابود شدند و از آنها هیچ اثر و خبری برجای نماند. مردمی که به محل آمده اند ساکت و آرام با چشمانی اشک آلود و بیخ در گلوبهم می نگرند.

آن طرف تر قسمتهایی از ساختمان آپارتمان مجاور فروریخته است، قدری دورتر ماشینهایی که به آهن پاره مبدل شده اند، دیده می شوند. ابراز تنفر همه حاضرین از جنگ و آدامه دهندگان جنگ علنی می شود. عده ای مات و مبهوت بخسود می بیچند، جوانی با شوخی لختی می گوید: "گولسه" یا دفترچه بسیج، بمب و راکت یا قرعه کشی، بیستای که از دستستان نرود" پیرمردی که با عصبانیت روی زمین تف می انداخت، گفت: "خمینی می خواهد همه راه گشتن بدهد"

راه ساختان ویران شدم، همه چیز بوی مری

می دهد. مرگ کودکان، دختران، پسران، زنان و مردان، ناگهان متوجه مردی شدم که بتازگی از سرکار برگشته و با گریه می گوید: "وای خدای من خانم نام در طبقه چهارم بود، زخم کجاست؟ کجاست؟" با دیده چهره خستودرمانده او گریه های جگرسوزش جمعیت به لوله می افتد. اعتراض به جنگ گسترش می یابد، در همین موقع کمیته ها که تقریبا دوروبر جمعیت را محاصره کرده اند، از ترس حرکت و اعتراض مردم و قیاحانه آژانسها می خواهند که شعار جنگ، تا کاپیروزی را سر دهند. همه با خشم و نفرت و تمسخر به آنها نگاه می کنند کمیته هایی که هوا را پس می بینند، سعی می کنند جمعیت را که حال دیگر جدوجنده را نرفرمی شد، برانگیزند. زیرا از شعله و روشن خشم آنها هراسان شده اند. یک تقریبا صدای بلند می گوید: "خودشان در خانه های امن نشسته اند و دستور جنگ تا دفع فتنه از عالم را می دهند، ای بابا اینها که از در مردم خیردار نیستند" جوانی که خانه اش ویران شده بود، ژوب جمعیت کرده و با خشم گفت: "چرا سران حکومت که عامل این خانه خرابی ها هستند، جنگ را تمام نمی کنند؟" بقال محله کنه قبلا از طرفداران پروپا قرص رژیم و همجنسین جنگ بود، و برادرش نیز در جبهه کشته شده است، می گفت: "مردم می بایست از روز اول بر علیه جنگ اقدام می کردند، تا امثال برادر من قربانی این فاجعه نشوند. من خودم اگر از اول می دانستم جنگ اینقدر کشیف است، هرگز به برادرم اجسازه نمی دادم، به سیخ برده و خودش را قربانی هیچ بیوج کند" جمعیت که یکبار چرخش و اعتراض بسود توسط پاسداران متفرق شد، مردم همگی جنگ و رژیم را محکوم می کردند و بطور علنی لب به اعتراض می گشودند.

روز بعد از بمباران خزان به آنجا رفتم، این روز صاف بودی روز ۱۲ فروردین: جمعیت حاضر در محل بمباران شده در خزانه خیلی بیشتر از جمعیت حاضر در دانشگاه تهران جهت برگزاری مراسم روز جمهوری اسلامی بود. انبوه جمعیت از نقسام مختلف شهر آمده بودند تا ضمن همدردی با بازماندگان هموطنان بمباران شده، از نزدیک با صحنه های ویران شده و آثار مخرب جنگ آشنا شوند. هیچکس را ندیدم که سیاست جناحی را به رژیم رانیتا کند. همه خواهان پایان یافتن فوری جنگ بودند و با خشم و نفرت از بدبختی ها و مصائبی که جنگ برایشان فراهم کرده بود، صحبت می کردند، هر کس به فراخ روحی از حد چیز می گفت و اعتراض می کرد، پیرو صردی دست فرزند خردسالش را گرفت و با طنز گفت: "بیایا با جان بریم، امشب شام، بمسب داریم"

ما موران رژیم در این گوشه و آن گوشه مذبحخانه تلاش می نمودند متعزضین را شناسایی و دستگیر کنند. آنها از وحشت اعتراض مردم علیه جنگ و رژیم معمولاتی در ارتاز مادران، خود را به محل بمباران شده می رسانند. مصاحبه گرواردیسو و تلویزیون خودش را به زنی که فرزندش در اثر بمباران کشته شده بود رساند، تا با وی مصاحبه کند و از او تاپیدی برسیاستهای جنگ طلبانه رژیم بگیرد و بعد آب و تاب نمایش دهد، زن داغدار از شدت خشم ضبط صوت مصاحبه گروا گرفته و بر زمین کوبید و با حالت گریان شروع به شعار دادن علیه رژیم کرد. یک معلم با عصبانیت می گوید: "جنگ با بدنام شود قبل از آنکه مردم تمام شوند" یک کارگر خیاط اضافه می کند: "کی این جنگ لعنتی تمام می شود، کاش حداقل بچه هایمان در این وضع مثل ما زندگی نکنند." راننده اداره آب و برق که از شامشای ویرانهای خزان به خشم آمده، می گوید: همه اش تقصیر این آخوندهای... است که نمی خواهند حرفی غیر حرفهای خودشان بشنوند". کارگری اضافه می کند: رژیم جنگ را دوست دارد و نمی گذارد تمام شود، چون اگر تمام شود، خودشان هم رفتنی هستند. یک کارگر شرکت واحد حالی که از دیدن فجاجاع جنگ خیلی متاثر شده بود، با چشمانی اشک آلود می گوید: جنگ با بدفورا تمام شود، مردم دارند بیخودی کشته می شوند که چه که عده ای بتوانند هنوز مردم سوا شوند. "اظهار رنارفا بشی و بحث و صحبت، گاه شعار و اعتراض جمعی آدامه دارد، - بمبارانهای وحشیانه اکثر شهرهای ایران و کشتار مردم، بی گناه توسط بمبها و موشکهای صدام

از سربازان فراری و از ارتشیان و سپاهیان مخالف جنگ حمایت کنید
سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر)

هم میهنان!
راه پایان دادن به جنگ گسترش اعتصابات و نظا هرات شماست
سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر)

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران!

زندانیان سیاسی آماج شکنجه و اعدام

از آخرین جنجالها و تبلیغات تی سران رژیم دربار به مطلع رسیدگی به وضع زندانیان سیاسی چند ماهی می گذرد. در جریان این جنجالها رژیم کوشید با پشت منحنه کشیدن لاجوردی جلاوچا بگریزی مهره کمتر شناخته شده ای به نام رازیته دادستان سابق مشهد و مستکرا عدام میا رزین بوسپله جرشیل ، به سه دادستانی تهران ، این تبلیغات را جدی و واقعی جلوه دهد و بزعم خود از خشم و نفرت مردم بگا هد ، لیکن هما نظوریکه مردم بارها نظر بر این تبلیغات - اسامات دروغین را تجربه کرده بودند ، این بار نیز هیچگونه تخییری در سیستم و شیوه های جنایتکارانه رفتار با زندانیان سیاسی و شکنجه ها و اعدام های مخفیانه مشاهده نکردند. رژیم ، حتی از آزادی عده زیادی از محکومین که مدت محکومیتشان ب سررسیده ، خود اوری می کند و همچنان سیاست تحمیل شروط ارتجاعی خود بر ای زادی زندانیان را آدا مه می دهد. کلیه زندانیان کماکان در وضعیت بلا تکلیفی بسر می برند. حتی محکوم شده ها نیز در حقیقت بلا تکلیفند و هر آن شکنجه و یا اعدام آنها را تهدید می کند. عده قابل ملاحظه ای مفقود الاثر شده اند و هیچ خبری از آنان در وضعیت آنها در دست نیست. خانواده های آنها نیز به هر قافی که مراجعه می کنند هیچ پاسخ درستی نمی گیرند.

"نامه مردم" ازگان مسرکزی حزب توده ایران در شماره ۴۹، تحت عنوان چه بلایی بر سر زندانیان مفقود الاثر آمده است می نویسد: در زمره اینگونه زندانیان مفقود الاثر ، من باب نمونه می توان از رفقا رحمان ها تفی (مشهور به - حیدر مهرگان) ، روزنامه نگار نویسنده انقلابی عضو هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران ، تنگی کی منش غمخور هیات سیاسی که ۲۵ سال از زندگی سر اسرمیا رزه خود را در اسراهای رژیم ستمناهی گذرانیده است ، حسن قزلی ، عضو کمیته مرکزی که سالیان در ازبویژه در راه احقاق حقوق خلق کرد مبارزه کرده است و نیز عبدا لرحمن آکا هی ، عضو کمیته مرکزی و نویسنده و محقق نامدار توده ای نام برده که خبر شهادت آنها در زیر شکنجه دهان به دهان می گردد.

آخرین جنایات افشا گرانه دعا های تبلیغاتی سرمداران رژیم ، اعدام شدن آنها از جمله هدیه سن خلق است که تنها نمونه ای از کشتار های رژیم محسوب می شود. شواهد حاکی از آن است که طی چند ماهه اخیر رژیم مدها تن از زندانیان در بند در مخفیانه اعدام کرده است. هیا هوی تبلیغاتی رژیم در رابطه با زندان و زندانیان چیزی بیش از یک پوشش برای ادامه جنایات همیشگی وی نیست.

جنایت تازه دیکتاتور اندونزی

اعدام رفیق محمد منیر را محکوم می کنیم این روزها دیکتاتور اندونزی جنایت دیگری آفرید. مستور سوار تو ، محمد منیر عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اندونزی ، شخصیت نامدار جنبش کارگری اندونزی ، رئیس شورای ملی سازمان مرکزی اتحادیه های اندونزی و نایب رئیس فدراسیون اتحادیه های جهانی به جوخه اعدام سپرده شد.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می بیاید که کمیته مرکزی حزب کمونیست اندونزی این جنایت را محکوم کند و شهادت رفیق ، محمد منیر را تسلیت گفت. تشدید سیاست ترور و اختناق و کمونیست کندی در اندونزی ، با اعتراض جهانیان مواجه شده است. نیروهای آزادیخواه و مترقی جهان جنایات دیکتاتور اندونزی را محکوم کرده و از بیگانه سازان آزادیخواهان و کمونیستهای اندونزی دفاع می کنند. همه سازمانهای انقلابی و ترقیخواه ایران را قرا می خوانند تا هم صدا با همه نیروها ، احزاب و سازمانهای انقلابی و ترقیخواه جهان این جنایت را محکوم کنند و به دفاع از انقلابیون در بند رژیم سوار تو برخیزند.

آدرس: PI. 10 1091 WIEN AUSTRIA
اتریش
حصا بپانگی: AUSTRIA - WIEN BAWAG NR. 029 10701 - 650 DR. GERTRAUD ARTNER

شاهزاده سعود الفیصل در تهران

او خارا در بیست ماه ، بنا به دعوت ولایتی وزیر امور خارجه رژیم جمهوری اسلامی ، شاهزاده سعود الفیصل وزیر امور خارجه عربستان سعودی ، در اس هیاتی به ایران آمد. این سفر در شرایطی صورت گرفت که جنگ ایران و عراق با بی مباهاری شهرها و مناطق مسکونی دو کشور شدت یافته بود. رژیم جمهوری اسلامی ، در ادامه سیاست نزدیکی به امپریالیستها و دردتداوم برقراری " اخوت اسلامی" با رژیمهای رتجاعی و وابسته ای نظیر پاکستان و ترکیه ، اکنون تغییرات محسوسی در روابط خود با دربار سعودی بوجود آورده است. دیدار وزیر خارجه عربستان از ایران با توجه به سیر رویدادها در منطقه بهیچ وجه غیر منتظره نبود. از مدتی پیش سردمداران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی سیاست نزدیکی و دوستی با کشورهای حوزه خلیج فارس و عربستان سعودی را در پیش گرفته اند. خامنه ای رئیس جمهور گفتگویی با الفیصل گفت که " برخی از کشورهای منطقه ممکن است دوست آمریکا باشند ولی با سلطه مخالفند ، ما حاضریم با آنها وحدت" مهربانی و دوستی داشته باشیم". سران رژیم که تا چندین پیش در بوق و کرنا می دمیدند که دربار سلطنتی سعودی و شیوخ حاکم بر کشورهای شوروی همگرا می خلیج دست نشاند آمریکا هستند ، اکنون در ادامه تلاش برای رسیدن به هدفهای خود ، رژیم سر پرده عربستان سعودی و کشورهای وابسته خلیج را " خد سلطه امپریالیسم معرفی می کنند!" هدف مقدم رژیم خمینی از تعلق از دربار سعودی و شیوخ مرتجع منطقه ، قطع یا تعدیل کنگ آنها به رژیم عراق و جستجوی مفری بسیاری بیرون رفتن ازین بست نا ای از جنگ است. اما پرواض است که جنگ با رژیم عراق و دوستی با رژیم سعودی ، رژیم خمینی را در یک سمت واحد می کشند و آنها تسلیم و ذلت هر چه بیشتر در برابر امپریالیسم و ارتجاع منطقه است.

سیاست سازمان بین المللی کار در خدمت کیست؟

سازمان بین المللی کار ، که پراز جنگ جهانی اول ، با اهداف دفاع از منافع و حقوق اجتماع های کارگران و دیگر زحمتکشان ، توسعه همکاری های متقابل و بهبود بین کشورهای مختلف و تقویت صلح بوجود آمده طی این مدت ، میثاق ها و مواله نامه های متعددی در جهت بهبود قوانین کار و امنیت اجتماعی به تصویب رسانده ، اکنون مدتهاست که دچار بحرانی عمیق در سیاست و ساختار خود شده و با اعتراف از اصول و اهداف اساسی خویش به منافع امپریالیسم و جریانهای ارتجاعی خدمت می کند. علت بحران حاکم بر سازمان بین المللی کار ، قبل از هر چیز آن است که نمایندگان کشورهای امپریالیستی عضو این سازمان ، با گستاخی و لجاجت مانع از طرح و اجرای مواله نامه های مترقی در مورد حق کار و مناسبات دموکراتیک ، توسط این سازمان می شوند ، تا حدی که تسلط سیاست ارتجاعی ایران بر این سازمان ، آنرا به بزاری در دست محافل امپریالیستی بدل کرده است. برخلاف سازمان یونسکو - که سیاست مطلوب محافل امپریالیستی نبوده و مورد تحسین امپریکا و انگلیس قرار گرفته و این دو کشور با هدف تضعیف آن از عضویتش خارج شده اند - سیاست حاکم بر سازمان بین المللی کار در قیفا در راستای " جنگ طبیبی" ریگان علیه نیروهای صلح و ترقی بویژه جامعه کشورهای سوسیالیستی است.

اقدامات تحریک آمیز و مواله خله جو یا نه علیه لهستان سوسیالیستی ، نقض کامل مقررات مربوط به همکاری و مناسبات برابر حقوق فیما بین کشورهای عضو ، تبعیض در حق کشورهای سوسیالیستی و بی اعتنایی مطلق نسبت به مرمحل و تشنج زدایی ، حیثیت و اعتبار جهانی این سازمان بین المللی کار را شدیداً خدشه دار کرده است. شرکت گستاخانه این سازمان در جنگ روانی امپریالیستی برای دامن زدن به باطل " مساله لهستان" ، انهم در شرایطی که گدا بندگان آن ، سرکوبیهای وحشیانه معدنچیان اعصابی انگلیس توسط حکومت تاجر و تفریقیات فزاینده علیه حقوق زحمتکشان در کشورهای سرمایه داری و ممالک وابسته به غرب را آسا تا دیده - منسی گیرند ، معنی دیگری جز خیانت به اصول و اهداف سازمان ملل ، وارگانهای تابعه آن ندارد.

هم اکنون ، جامعه کشورهای سوسیالیستی ، دول ترقیخواه و همه سازمانها و ارگانهای وابسته به فدراسیون سندیکایی جهانی ، برای تبدیل این سازمان به ارگانی در خدمت حقوق اجتماع کارگران و تقویت صلح ، یک شاعر را وظیفه مبرم خود اعلام کرده اند: "دموکراتیزه کردن ساختار سازمان بین المللی کار"

دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان در مسکو

دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان مرداد ماه آینده در مسکو برگزار خواهد شد. بیش از ۵۰ هزار تن دختر و پسر جوان با اعتقادات سیاسی ، فلسفی و مذهبی متفاوت از سراسر جهان ، زیر شعار " برای همبستگی خدا مهربانستنی ، صلح دوستی" در این اجتماع بر شکوه گردمی آیند و در راه اهداف مشترک با هم میثاق می بندند. هیاتهای نمایندگان کشورهای مختلف در این جشنواره ملی ، منطقی است و بین المللی خود ، با شوق بسیار برای برگزینی هر چه باشکوه ترین جشنواره در تلاش اند.

جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان در سال ۱۹۴۵ ، در راستای تلاش برای تعمیق همکاری و همبستگی بین نیروهای جوان ترقیخواهی کسه مشترکا علیه فاشیسم هیتلری و امپریالیسم زاپس مبارزه کرده بودند پایه گذار شد. از آن زمان تا کنون این جشنواره هر چند سال یک بار در کشورهای مختلف برگزار گردیده است. این جشنواره تجلی شکوه منصفانه است که جوانان و سازمانهای مترقی و پیشرو آنان در راه صلح ، دوستی و تناف هم بین المللی است.

مصاف شدن دوازدهمین جشنواره جهانی جوانان و دانشجویان با چهلین سال پیروزی بر فاشیسم ازسوی و شرایط جدیدین المللی در رابطه با تهدیدات خطرناک امپریالیستها برای برپایی جنگ ویرانگر هسته ای از سوی دیگر ، برجستگی اهمیت ویژه ای به گرد همایی جوانان در این جشنواره داده است. جشنواره منموجل تبادل نظر و اتخاذ مواضع یگانه جوانان کشورهای مختلف در دفاع از صلح جهانی و جلوگیری از خطر جنگ هسته ای و در مساله علیه امپریالیسم جهانی منسی است. در این جشنواره همچنین عرصه های گوناگون زندگی و فعالیت جوانان ، طرح خواستها و اشکال مختلف جنبشهای جوانان و دانشجویان ، همبستگی با خلقهایی که برای آزادی و استقلال می زنند ، مسایل همکاریهای اقتصادی و حفظ امنیست و همکاریهای بین المللی از مناسبات اصلی مسورد بررسی و گفتگو خواهد بود.

طی مدت ۱۷ روزه مراسم شرکت کنندگان در جشنواره در جلسات بحث و مناظره حول مسایل مهمی چون: سال بین المللی جوانان ، مسایل مربوط به حفظ محیط زیست ، مبارزه با فاشیسم ، سایل کارگران جوان ، زنان جوان ، دانشجویان ، ورزش ، متخصصین و هنرمندان جوان ، ... و سایر موضوعات خواهد شد. تا کنون فعالیت تدارکاتی عظیمی در رابطه با برگزاری جشنواره صورت گرفته است. در چهارمین نشست کمیته بین المللی تدارک جشنواره ، که چندی پیش در مسکو برگزار شد ، بیش از ۱۳۰ هیات از کمیته های تدارک ملی کشورهای مختلف و ۳۵ سازمان بین المللی و منطقه ای ، با نزدیک به ۷۰۰ نماینده شرکت داشته اند. این کمیته طی ۴ اجلاس گذشته خود ، مسایل مربوط به تعیین محل جشنواره ، تعیین کمیسیون دایمی برگزار کننده جشنواره و روش برنامه های جشنواره را مورد بحث قرار داده و با اتفاق نظر حول این مسایل و یک سلسله موضع گیریهای سیاسی جشنواره کار مقدماتی خورا به انجام رسانیده است. در عین حال اقدامات و فعالیتها کمیته های ملی تدارک کشورهای مختلف توانسته است اهداف و برنامه های استقبال از این جوانان این کشورها معرفی کند. مسایل جوانان کشورهای مزبور را در جلسات بحث و مناظره انعکاس داده و تدارک فعالیت جوانان کشورهای دیگر را انتقال دهد.

در جریان این جشنواره طبعاً پرسشها و بحثهای زیادی بیرون انقلاب ایران ، تجربه جوانان ایران در انقلاب ، جنگ و وضعیت اختناق و سرکوب موجود علیه جوانان کشور مطرح خواهد شد. هیات شرکت کننده از کشور ما تلاش دارد ضمن توضیح و انعکاس مسایل جوانان ایران به تدارک جوانان کشورهای دیگر در کشورهای مختلف دست یابد و نقش هر چه بیشتری در جشنواره ای به عهده گیرد.

انتخابات ریاست جمهوری
را تحریم کنید!
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیش بسوی جبهه متحد خلق